

دو فصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: ۸۶۲۲۷ Article Number: Y۵N ۴۸۸۰۰۹۵ ISSN-P: ۲۷۱۷-۱۱۳۲

تغییر جنسیت در نسل چهارم حقوق بشر

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۲/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۳/۲۶)

نازیلا بدرخانی^۱

کارشناس ارشد حقوق عمومی

چکیده

با توجه به گستره حقوقی که به عنوان حقوق بشر نسل چهارم شناسایی شده اند، باید گفت تنها حقوقی که دارای معیار اصلی ارتباط با پیشرفت های تکنولوژیک هستند را می توان به عنوان حقوق این نسل در نظر گرفت. مطالعه ژنوم انسان، دستکاری ژنتیکی، لقاح آزمایشگاهی، آزمایشات بر روی جنین انسان، مرگ آسان (اتانازی) و اصلاح نژاد برتر فعالیت هایی هستند که می توانند مسائل پیچیده قانونی، اخلاقی، عاطفی و حتی مذهبی را تولید کنند. برخی از افراد جنسیت مشخصی ندارند و به نوعی دچار ابهام جنسی می باشند؛ از جمله مباحث نوپیدای فقهی و حقوقی مسأله تغییر جنسیت می باشد و یا به عبارتی حل مشکل این گونه افراد است که امروزه به مدد جراحی های مدرن و پیشرفته صورت می گیرد که در نتیجه آن، جنسیت فرد از مرد به زن و یا برعکس، تغییر می یابد.

واژگان کلیدی: تغییر جنسیت، حقوق بشر، نسل چهارم



مقدمه

زندگی هر انسان از عمل لقاح اسپرم و اوول یا تخمک شروع می شود و حدود سه ماه پس از آن جنسیت فیزیولوژیک فرد شکل می گیرد. در این میان، گاه برخی از افراد جنسیت مشخصی ندارند و به نوعی دچار ابهام جنسی می باشند؛ از جمله مباحث نوپیدای فقهی و حقوقی مسأله تغییر جنسیت می باشد و یا به عبارتی حل مشکل این گونه افراد است که امروزه به مدد جراحی های مدرن و پیشرفته صورت می گیرد که در نتیجه آن، جنسیت فرد از مرد به زن و یا برعکس، تغییر می یابد. این امر، زمینه ساز مسائل و پرسش های فراوان فقهی و حقوقی است، لذا اینکه آیا می توان این حق را برای افراد قائل شد که جنسیت خود را تغییر دهند یا خیر؟

بخش اول: بررسی و تعریف حقوق بشر

حقوق بشر با توجه به ارائه تعاریفی از حق و نگرش راجع به انسان قابل تعریف خواهد بود. برخی مفهوم حق را امتیازی می دانند که به حیات و موجودیت هر موجودی تعلق دارد و هر موجودی به لحاظ موقعیت خود آن را نسبت به دیگری مطالبه می کند.^۱ برخی دیگر^۲ برای حق معنای اعتباری قائلند و معنای اعتباری حق را اجازه می دانند در این معنا زمانی که گفته می شود کسی حق دارد یعنی ذی حق اجازه دارد و مانعی در مقابل وی نیست و لازمه آن اختیار شخص به استفاده و عدم استفاده از آن است.^۳ در تعریف دیگر حق، ارفاق و امتیازی است که قانون به شخص می دهد و از آن پشتیبانی می کند در این حالت خصوصیت بارز حق این خواهد بود که نوعی سلطنت، قدرت و اختیار برای دارنده آن به

^۱ بطحائی گلپایگانی، سید محمد هاشم، ۱۳۸۳، اسلام و حقوق بشر: مجموعه مقالات حقوق بشر در جهان امروز، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ص ۱۱۲.

^۲ ابراهیمی، جهانپخش، ۱۳۹۲، سیری در حقوق بشر، تهران: انتشارات زوار، ص ۱۱۷.

^۳ اعتبار کننده این اعتبار ممکن است عموم عقلا، افراد خاص و یا شارع باشند: صراحی، سیف الله، ۱۳۹۵، حق، حکم و تکلیف: گفتگو با جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ص ۷۸.



ارمغان می آورد.^۱

به این ترتیب اندیشمندان مسلمان در ارانه تعریف در خصوص حق اتفاق نظر ندارند برخی آن را مشترک معنوی و به معنای اعتبار، حکم یا امتیاز می دانند و برخی دیگر آن را مشترک لفظی و به معنای سلطنت یا ولایت می دانند.^۲ حال با توضیح شناخت انسان به عنوان یکی از اجزای حقوق بشر به جمع بندی کلی راجع به حقوق بشر خواهیم پرداخت.

شناخت انسان نیز یکی از موضوعات بحث در حوزه حقوق بشر در هر نظام حقوقی است. در حقوق بشر معاصر، شناخت انسان از رهگذر علم و تجربه حاصل می گردد و جنبه مادی انسان مورد نظر است.^۳

این در حالی است که در اسلام انسان موجودی خداجوی است که دارای وجود مستقل نیست بلکه موجودی است که با خدا ارتباط می یابد و به هیچ موجود دیگری وابسته نیست.^۴ در اسلام شناخت انسان از طریق ارتباط وی با توحید، نبوت، معاد، مسائل اخلاقی و احکام اجتماعی حاصل می گردد.^۵

با توجه به تعاریف ارائه شده فوق از حق و انسان می توان گفت، حقوق بشر عبارت است از سلطه، اختیار، امتیاز و توانایی که انسان از آن برخوردار است. با این تعریف حقوق بشر دارای ویژگی هایی است از جمله این که از سنخ امتیاز برای دارنده حق است، تعلق حق به شخص با توان و اختیار وی تلازم دارد و در آخر این که حق بشری امتیاز حمایت شده است. به طور کلی می توان گفت حقوق بشر معاصر دربردارنده حقوق افراد در مقابل دولت است و کارکرد اصلی آن تحدید

^۱ ورعی، سید جواد، ۱۳۹۱، حقوق و وظایف شهروندان و دولت مردان، قم: دبیر خانه مجلس خبرگان رهبری، ص ۲۹.

^۲ نبویان، سید محمود، ۱۳۹۸، حق و چهار پرسش بنیادین، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ص ۱۲۴.

^۳ همان، ص ۱۳۱.

^۴ جواد آملی، ۱۳۹۵، فلسفه حقوق بشر، قم: مرکز نشر اسراء، ص ۱۶۱.

^۵ مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۸، نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، صص ۳۲-۴۰.



قدرت دولت در مقابل افراد است. به این ترتیب، دولت‌ها متعهدند حقوق بشر را برای افراد تضمین و حمایت کنند.^۱

بخش دوم: نگاهی به تاریخچه حقوق بشر

ایده حقوق بشر به همان قدمت تمدن بشری است اما حقوق بشر به عنوان موضوع مطالعه و تدوین، به تصویب منشور ملل متحد بر می‌گردد. حقوق بشر حقوقی هستند که هر فرد باید در برابر دولت و هر مرجع عمومی دیگر به خاطر عضویت خود در خانواده بشری صرف نظر از هر ملاحظه‌ای برخوردار باشد به این خاطر یکی از زمینه‌های اصلی تکامل نظام بین‌المللی حقوق بشر، شناسایی آن در قوانین اساسی داخلی دولت‌ها است تا این گونه از اقدام خودسرانه دولت‌ها پیش‌گیری گردد.^۲

البته بارقه‌های حقوق بشر در سیر تحول تاریخی قبل از ابداع اصطلاح حقوق بشر در نظام مدرن به انحاء گوناگون در قانون حمورابی پادشاه بابل در سال‌های (۱۶۵۸ ق. م) قابل رؤیت است. در قانون مذکور جامعه به سه بخش انسان‌های آزاد، تابع و برده تقسیم شده است. هر چند منشور حمورابی در موضوع حقوق بشر بسیار ابتدایی است اما نخستین گام به سوی حقوق انسان‌ها محسوب می‌گردد. منشور کوروش کبیر نیز دربردارنده آزادی به عنوان حق بشر است و آزادی ملل در منشور مذکور مورد توجه قرار گرفته است. همزمان منشور کوروش کبیر پس از فتح بابل، نخستین و قدیمی‌ترین سند تاریخی در حوزه حقوق بشر است. در تاریخ رم نیز رد پای از حقوق و تکالیف شهروندان رومی وجود دارد؛ ادیان از جمله مسیحیت نیز منادی صلح و محبت و رهایی انسان‌ها بوده است و اسلام نیز از آغاز

^۱ قاری سید فاطمی، سید محمد، ۱۳۸۸، حقوق بشر در جهان معاصر، جلد ۱، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ص ۳۱.

^۲ Synmonides, Janusz, Human Rights: Concept and Standards, UNESCO, ۲۰۰۰. p:۳.

ظهور خود ندای آزادی و نجات بشر را سر داده است.^۱

انقلاب کبیر فرانسه نیز یکی از نقاط عطف تاریخ در حوزه حقوق بشر است که به دنبال آن و با صدور با اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹، حقوق بشر به حقوق موضوعه راه یافت و برای مردم حق را شناسایی و برای دولت، تکلیف ایجاد نمود.^۲ اعلامیه استقلال ۱۷۷۶ آمریکا نیز از بنیان های نظام بین الملل حقوق بشر تلقی می گردد.^۳

میثاق ۱۹۱۹ جامعه ملل نیز به طور ابتدایی حقوق بشر را مورد تاکید قرار داده است و همزمان با تاسیس جامعه ملل معاهدات مربوط به حقوق اقلیت نیز گسترش یافت.^۴

بعد از جنگ جهانی دوم، بیم وقوع جنگی دیگر ضرورت تدوین حقوق بشر و حمایت از آن در برابر مداخله دولت را ایجاب کرد که با تصویب منشور ملل متحد در سال ۱۹۴۵ محقق گردید.^۵ به رغم پیش بینی رعایت و احترام به حقوق بشر جهانی در منشور ملل متحد، ضرورت وجود و تصویب سندی جداگانه سبب شد کمیسیون حقوق بشر بر اساس ماده ۶۸ منشور ملل متحد^۶، ابتدا طرح نخستین (اعلامیه جهانی حقوق بشر) را در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ و طرح دوم را در ۱۹۶۶ و در قالب میثاقین حقوق بشر (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و پروتکل

^۱ ذاکریان، مهدی، ۱۳۹۰، حقوق بشر در هزاره جدید، تهران: دانشگاه تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی، صص ۸-۳۷.

^۲ Griffin, James, On Human Rights, Oxford, ۲۰۰۸, p:۹.

^۳ Symonides, op. cit. p:۳.

^۴ Brownlie Ian, Principles of Public International Law, Sixth Edition, Oxford University Press, ۲۰۰۳, p:۵۳۰.

^۵ Harris D.J, Case and Materials on International Law, Sixth Edition, London Sweet and Maxwell, ۲۰۰۴, p:۶۵۵.

^۶ این ماده مقرر می دارد: شورای اقتصادی و اجتماعی کمیسیون هایی برای مسائل اقتصادی و اجتماعی و ترویج حقوق بشر، همچنین هر گونه کمیسیون های دیگری که برای اجرای وظایفش ضروری باشد تاسیس می کند. کمیسیون حقوق بشر نیز بر مبنای همین ماده تاسیس گردید.



مربوط به آن و میثاق بین المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) به تصویب رساند. اگرچه اعلامیه جهانی حقوق بشر، معاهده به معنای خاص نبود که بتواند تعهدات حقوقی بر دولت ها تحمیل کند لیکن بیان گر قواعد حقوق بین الملل عرفی عام بود که از قبل به رسمیت شناخته شده اند و در عمل از سوی دولت های عضو جامعه بین المللی مورد استناد قرار می گرفتند. اعلامیه جهانی حقوق بشر هم اکنون بهترین وسیله تفسیر مقررات منشور ملل متحد در زمینه حقوق بشر به شمار آمده است.^۱

همچنین کنوانسیون های بین المللی خاص در جهت تضمین و شناسایی حقوق قشر خاص نظیر کنوانسیون بین المللی رفع هر گونه تبعیض نژادی، کنوانسیون رفع کلیه تبعیضات علیه زنان، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون مربوط به پناهندگان و کنوانسیون بین المللی جلوگیری از کشتار جمعی بی رحمانه زیر نظر سازمان ملل تصویب شده اند. همچنین دولت ها در مناطق جغرافیای سیاسی گوناگون جهان که دارای تاریخ و ارزش های مشترک بودند، هنجارها و نهادهای منطقه ای را در جهت تضمین حقوق بشر توسعه دادند. هر کنوانسیون منطقه ای حمایت از حقوق بشر نظیر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۱۹۵۱، کنوانسیون امریکایی حقوق بشر مصوب ۱۹۶۹ و منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق ها مصوب ۱۹۸۱، مشتمل بر فهرستی از حق ها است که به شیوه بین المللی تضمین شده اند و حاکی از وظایف دولت ها، نهادهای دائمی و آئین رعایت و اجرای آنها می باشد^۲.

^۱ Shelton, Dinah, Regional protection of Human Rights, Oxford University Press, ۲۰۰۸, p: ۶.

^۲ البته ترتیبات منطقه ای در آسیا نظیر اتحادیه ملت های جنوب شرقی آسیا نیز نمود یافته است. دولت های عضو از جمله کامبودیا، اندونزی، مالزی، میانمار، فیلیپین، سنگاپور، تایلند و ویتنام در ۱۹ نوامبر ۲۰۱۲ اعلامیه حقوق بشر را صادر کردند و بر احترام به ارتقاء و حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی و اصول دموکراسی، حاکمیت قانون و به زمامداری تأکید کرده اند و بر اهمیت تلاش های اس آن در ارتقاء حقوق بشر از جمله در خصوص اعلامیه پیشرفت

بخش سوم: نسل چهارم (حقوق حمایت از کرامت انسانی)

بعد از قرن‌ها ما شاهد تکوین نسل اول حقوق بشر یعنی حقوق مدنی و سیاسی در فرهنگ غرب بودیم. علی‌رغم این که وجود این حقوق برای شکوفایی شخص ضروری بود، ولی با انقلاب صنعتی در اواخر قرن نوزدهم مشخص - گردید که این حقوق به تنهایی کافی نیستند، همان‌طور که این مساله در مورد نسل دوم که از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حمایت می‌کند، نیز پدید آمد. برای ۲/۳ از افراد، این حقوق خیلی از حقوق مدنی و سیاسی مهمتر است.^۲ این موضوع تصویر جالبی به دست نداده است چه این که در واقع هر یک از دو نسل با مقوله حقوق - برای آسایش بشریت لازم است.^۳

به سبب گسترش مشکلات و افزایش القائات بشردوستانه نسل سوم حقوق بشر، کم‌کم خودش را بر ما تحمیل کرده و توجه ما را به خود جلب نموده است، حقوق‌دانان نام آن را "حقوق همبستگی"^۴ نهادند و حق بر توسعه، حق بر صلح و حق بر محیط زیست سالم را در ردیف این حقوق محسوب داشتند.

جایگاه زن در منطقه و اعلامیه رفع خشونت علیه زنان در منطقه جنوب شرقی آسیا صحه گذاشتند. این اعلامیه چارچوبی برای همکاری حقوق بشر در منطقه معرفی شده است. همچنین در این اعلامیه تمام اشخاص در حقوق و کرامت انسانی به این دلیل که آزاد متولد شده‌اند، برابری و بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌ها صرف نظر از تمایز نژادی، مذهبی، سیاسی، تسبی، جنسی و سیاسی و دیگر معیارها اعم از اجتماعی، اقتصادی به رسمیت شناخته شده است

ASEAN Human Rights Declaration, ۱۹ November ۲۰۱۲ at: http://www.asean.org/news/asean_statement_communique/item/asean_human_rights_declaration.

^۱ Shelton, Dinah, Regional protection of Human Rights, Oxford University Press, ۲۰۰۸, p: ۱۱۵.

^۲ به همین دلیل است که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در زمان تصویب دو میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق بشر در ۱۴ دسامبر ۱۹۶۶، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در ابتدا قرار داده است.

^۳ اعلامیه نهایی کنفرانس جهانی سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشر بر ویژگی غیر قابل تقدیم و وابستگی بین تمام حقوق بنیادین تاکید کرده است وین، ژوئن ۱۹۹۳.

^۴ P onale des couts economiques et sociaux de k.vbak o des son los pobres des de la canci CONWiques et sociaux? Bruylant Bruxelles, ۱۴ VF.P.-J, dansvesne.



بعضی از نویسندگان با این نوع طبقه بندی و حقوق بنیادین موافق نیستند.^۱ پر واضح است که کل حقوق بشر غیر قابل تفکیک و برای وجود انسان نیز لازم و ضروری است و نباید در این طبقه بندی در پی یک تجانس و همگی درونی در هر نسل (حقوق بشر) باشیم، به نظر ما این طبقه بندی تنها ترجمانی تاریخی و ضروری برای توجه به حقوق بنیادین است، از طرف دیگر سیاهه حقوق بشر کامل نیست و به مرور زمان با توجه به نیازهای افراد تکمیل می شود.

در این خصوص لازم است. مواد مربوط به حقوق غیر قابل تقضی در اسناد متعدد بین المللی در حمایت از حقوق بشر را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم، زمان زیادی برای احصاء هر چه بیشتر این حقوق غیر قابل نقض و تکمیل آن صرف شده است. ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۴ میثاق بین المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و سرانجام ماده ۲۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹ به خوبی این تحول را نشان می دهد.

مسلماً بسط سیاهه حقوق مورد نظر به عنوان حقوق بنیادین می تواند مشکل مضاعفی را به وجود آورد، از یک طرف، هر چه این سیاهه حقوق کامل تر شود ما از حقوق شناسایی شده دور می شویم و همچنین افزایش حقوق جدید التاسیس به عنوان آرزوهای ساده متجلی می گردد. یعنی این که به نوعی از واقعیت دور می شویم، بی تردید نسل دوم همانند نسل اول حقوق ذاتی محسوب می شوند ولی عده زیادی از نویسندگان ارائه همین ویژگی را برای نسل سوم حقوق بشر مورد تردید قرار می دهند. از طرف دیگر به نظر برخی از طرفداران حقوق بشر، افزایش چنین حقوقی و حمایت موثر از آن بستگی به شانس دارد.

بدیهی است که فشار و خواست متمادی در جهت تکمیل سیاهه حقوق بشر، امکان کاهش اهمیت این حقوق را به همراه خواهد داشت؛ پسان ضرب المثل

^۱ OP,CIT.



معروف "سنگ بزرگ نشانه نزدن است."

علی رغم وجود این دلایل، ما دگر و ارائه نسل چهارم (حقوق بشر) را ضروری ارزیابی می کنیم و حقوقی که باید از حیثیت و کرامت انسانی در مقابل سوء استفاده از علم دفاع کند.

علم بیش از پیش توسعه یافته و به چنان قدرتی رسیده که می تواند در ریشه های حیات با اختیار، یک ژن را تغییر دهد و یا بر عکس به طور نامحدودی با موج نگاری مغزی (الکتروانسفالوگرافی) حیات مغزی را نشان دهد. در قلمروهای دیگر، تحقیقات علمی موجب نتایج شگفت انگیزی شده است: الکترونیک، رایانه، سیستم اینترنت به طور قابل توجهی حیات ما را تسهیل نموده است. همه اینها پیشرفت های خارق العاده محسوب می شوند.

انسانی بعد از تحولات کشاورزی، صنعتی، اکنون ما شاهد تحولات علمی هستیم؛ اما این فن آوری خارق العاده با ارزانی داشتن داده های بالقوه ما را به انقباض خود در آورده و جامعه ما را شکننده نموده است.

اگر رایانه خراب شود، برداشت پول از حساب بانکی غیر ممکن می شود، مسافر دیگر نمی تواند یک جا برای در هواپیما رزرو کند و یک پزشک دیگر نمی تواند به پرونده پزشکی بیمار دسترسی پیدا کند. همچنان که متعدد مستقر در اماکن عمومی و چهار راهها در خدمت امنیت افراد هستند و جریان رفت و آمد اتومبیلها را کنترل می کنند. این دوربین ها کمترین خدشه ای به زندگی خصوصی افراد وارد نمی کنند ولی در صورتی که تمامیت خواهی روزی بر مسند قدرت جلوس نماید، این دوربین ها می توانند تهدیدی بر مردم سالاری باشند. اگر اینترنت دسترسی بی حد و حصری به منابع اطلاعاتی را فراهم می کند. در عین حال این سیستم پروفیلی را تسهیل نموده و اجازه انتشار اطلاعاتی را می دهد که غالباً حقایق را دچار تردید می کنند.



ما در این جا لازم نمی دانیم تمام خطرات ناشی از این اختراعات خارق العاده را بیان کنیم. توجه ما بیشتر معطوف به روشهای حمایت از حیثیت و کرامت انسانی در مورد سوء استفاده از علم است بی آن که بخواهیم محافظه کارانه عمل کنیم و یا بخواهیم به گذشته بازگردیم.

در واقع، علم امکانات بی نهایت و خدمات زیادی فراهم کرده است اما برای حفظ این مسیر، تحقیق باید آزادانه و در مسیرهای جدید حرکت نماید، حقیقتاً، بی حد و مرز بودن آنگاهی امری مشروع محسوب می شود که این آزادی ابزار وسیعت و عظمت بشریت باشد. در همین حال، طبعاً ما باید محتاط باشیم زیرا بعضی از محققان متمایل به سوء استفاده از قدرت خود هستند. کنجکاوی مشروع و سیری ناپذیر می تواند به حدی از حسن نیت دور شود که بشریت را به مخاطره بیندازد. در این زمینه های ما باید خودمان را در مقابل مستی و سرگردانی و احساس مفراط نسبت به آگاهی بیشتر به ویژه در مواردی چون ابتدا و انتهای حیات، نسلهای آنی... در یک کلمه قلمرو پست - اخلاق که مربوط به ماست، حفظ نماییم. هر چند اکثریت دانشمندان معنای واقعی مسئولیتها را ابراز می نمایند. باز با وجود این امکان سوء استفاده از علم وجود دارد، به عنوان مثال، کافی است متذکر شویم که در زمان تولد "دالی" در سال ۱۹۹۷، تدابیر زیادی در جهان سیاست و در صحنه بین المللی برای ممنوعیت قطعی توسل به همسان سازی انسانی اتخاذ گردید، ولی با وجود این چند ماه بعد یک گروه کره ای ادعا نمودند که اولین تجربه و آزمایش خود را در این زمینه انجام داده اند.

محققان آمریکایی اعلام کردند که آماده شروع چنین کارهایی هستند و همچنین موسسه روسلن که دالی را خلق کرده است دیگر در این زمینه اعتراضی نکرد. در ژوئن ۱۹۹۹، مطبوعات از آزمایشی جدید در آمریکا خبر دادند. محققان به لطف فن آوری همسان سازی موفق به خلق یک نطفه انسانی شده و آن را تا



مرحله ۴۰۰ سلولی قبل از تخریب، توسعه داده اند. این عمل در نتیجه ورود هسته یک سلول گرفته شده از مردی بالغ و ورود آن به تخمدان خالی شده از نطفه گاوی ماده حاصل شده است. به نظر می رسد که این دانشمندان در اولین مرحله آزمایش خود از این نوع نبوده اند. اقدام آنها ناشی از نگرانی مربوط به سلول های جنینی معلول و درمان بعضی از بیماریها بوده است.

با این اوصاف، دیگر اتفاق نظری برای کنار گذاشتن همسان سازی انسانی حتی در بین کسانی که خواستار حفظ بعدسی ارزشهای بنیادین بوده اند، وجود ندارد. تحولات در این زمینه روبه رشد و افزایش است زیرا در خلال پانزدهمین نشست سالانه جامعه اروپایی جنین شناسی و تولید مثل انسانی، تعدادی از متخصصان درباره همسان سازی جنین انسانی به منظور درمان بعضی از بیماریها نظر مساعد ارائه کرده اند. با وجود این، در چند سال اخیر نسبت به تصمیم یک زوج برای اقدام به خلق یک کودک و برداشتن مغز استخوان پشت او برای پیوند زدن به کودک بزرگتر از همان زوج که مبتلا به سرطان استخوان بود. خشم و نفرتی عمومی به راه افتاد. در مقابل مشکل تحول علم زیست پزشکی و علم به طور کلی مایلیم مختصراً به این اعتراضات پاسخ داده و در نهایت خلاء و نقایص موجود را متذکر شویم. در ادامه به توضیحات مبسوط تری در این زمینه خواهیم پرداخت.

بخش چهارم: چستی تغییر جنسیت

تغییر جنسیت تقریباً مفهوم روشنی دارد و عبارت است از تبدیل مرد به زن، یا تبدیل زن به مرد، یا تبدیل خنثی^۱ و یا دوجنسیتی^۲ به مرد یا زن، و نیز تبدیل مرد یا زن به خنثی. البته در یک مفهوم وسیع تر، تغییر جنسیت شامل تغییر جنسیت در حیوانات و یا

^۱ khonsa

^۲ Herma.ph.rodite



گیاهان نیز می شود.^۱ بر این اساس همان طور که از نام آن پیداست تغییر جنسیت به معنای تغییر جنس مونث به مذکر و مذکر به مونث است که هم شامل تغییرات فیزیکی می شود و هم تغییرات روحی و روانی را شامل می شد.

بخش پنجم: وضع حقوقی تغییر جنسیت

مراد از وضع حقوقی تغییر جنسیت این است که، با توجه به سکوت قانونگذار و فقدان نص قانونی، آیا تغییر جنسیت بر مبنای اصول و قواعد حقوقی، امری درست است یا امری ممنوع است؟ درباره مشروعیت یا ممنوعیت تغییر جنسیت نظریه کسانی که موضوع را مورد بحث قرار داده اند، متفاوت است که در مجموع می توان نظریات را به سه گروه، نظریه مخالفان تغییر جنسیت، نظریه موافقان تغییر جنسیت و نظریه موافقان مشروط تقسیم نمود که عمده دلایل این نظریات بررسی می شود.

• نظریه مخالفان تغییر جنسیت

یکی از دلایل نظریه ممنوعیت تغییر جنسیت، عبارت از این است که مجاز بودن تغییر جنسیت مستلزم مجاز بودن برداشت و از بین بردن اعضای است که از بدن شخص موضوع تغییر جنسیت برداشته می شود تا اعضای مصنوعی جنسیت مخالف در جای آن گذاشته شود، در حالی که ممنوعیت از بین بردن اعضاء بدن از ضروریات است و کسی نمی تواند با از بین بردن عضوی از بدن خود به خویش یا با از بین بردن اعضاء بدن دیگری به او صدمه وارد کند، در نتیجه، تغییر جنسیت عملی غیراخلاقی است. دلیل دیگر عدم مشروعیت تغییر جنسیت، همانگونه که بعضی معتقدند مخالفت آن با مصالح عمومی است زیرا قواعدی که وضع مدنی شخص را در جامعه تعیین می کند، تنها به خاطر حفظ منافع او وضع نشده است، هدف مهم این گونه قواعد تأمین مصالح عمومی است. به همین جهت اشخاص نمی

^۱ کریمی نیا، محمد مهدی، ۱۳۹۵، آثار و احکام تغییر جنسیت از دیدگاه امام خمینی، فصلنامه علمی تخصصی مطالعات زنان و خانواده، دوره ۲، شماره ۴، ص ۱.



توانند بر خلاف آنها با یکدیگر توافق کنند، چنانکه به وسیله قرارداد نمی توان تابعیت یا جنسیت کسی را تغییر داد.^۱

این دلیل نیز در صورتی دلالت بر عدم مشروعیت تغییر جنسیت می کند که در علم پزشکی تغییر جنسیت مشروط به شرایطی نباشد و هر کس که اراده تغییر جنسیت خود کند، درخواست او پذیرفته شود ولی اگر تغییر جنسیت مشروط به شرایط شود، همانطوری که در بیشتر کشورها مقررات و شرایط خاصی در این باره تصویب شده است، مغایرتی با مصالح جامعه نخواهد داشت، بنابراین، تمام دلایل معتقدان به عدم مشروعیت تغییر جنسیت، از موضوع منصرف است و به استناد این دلایل نمی توان بطور مطلق تغییر جنسیت را غیرمشروع دانست، بلکه این دلایل مواردی را شامل می شود که تغییر جنسیت برای شخص مضر و آسیب رسان باشد و او به صرف میل خویش اقدام به تغییر جنسیت خود کند ولی در مواردی که تغییر جنسیت بعنوان یک راه درمان یا یک عمل مفید و دارای منفعت عقلایی مشروع انجام می شود، دلایل یاد شده نمی تواند دلالت بر ممنوعیت آن نماید.^۲

• نظریه موافقان تغییر جنسیت

در مقابل نظریه مخالف پیشین، نظریه دیگری ابراز شده است که بر مبنای آن، تغییر جنسیت به طور مطلق نادرست می داند، دلیل آن ها این است که تغییر جنسیت امری مجاز است بر این اساس که دلیلی غیرعقلانی دال بر ممنوعیت آن وجود ندارد و دلیل دوم این است که افراد حاکم بر خود می باشند و سلطه و اختیار خود را دارند و در واقع تغییر جنسیت را خدشه ای بر سلطه انسان بر بدن خود نمی دانند.

^۱ کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۹، دروه مقدماتی حقوق مدنی خانواده، تهران: میزان، ص ۱۷۵.

^۲ کریمی نیا، مهدی، ۱۳۸۵؛ پیشین، ص ۸.

• نظریه موافقان مشروط

نظریه دیگری، که در مورد وضعیت تغییر جنسیت ابراز شده است، نظریه موافقان مشروط است زیرا مشروعیت هر عملی، منوط به وجود منفعت مشروع عقلایی است. در نتیجه، تغییر جنسیت در صورتی مشروع است که خواهان دارای مشکل جنسی باشد و پزشک متخصص تغییر جنسیت را برای رفع مشکل او مفید تشخیص دهد. در اکثر نظامهای حقوقی این نظریه پذیرفته شده است و کشورهایی که تغییر جنسیت را مشروع اعلام نموده اند، مشروعیت آن را منوط به وجود شرایطی کرده اند. به همین جهت در توصیه ها و مقررات، نمونه تغییر جنسیت، آن نه به عنوان یک راه درمان بلکه به عنوان یک حق توصیه شده است. بنابراین مشروعیت تغییر جنسیت مشروط به وجود شرایطی در متقاضی است نه از لحاظ اضطرار بلکه از لحاظ علم پزشکی این شرایط لازم است تا برای پزشک، موضوع معالجه فراهم شود و از لحاظ علم حقوق نیز این شرایط لازم است تا مورد حمایت قانون قرار گیرد. در نتیجه، این نظریه با واقعیت های علم پزشکی منطبق تر است. بنابراین، موضوع تغییر جنسیت در کشورهای غربی از لحاظ علم پزشکی امری مسلم است و از لحاظ حقوقی نیز مقرراتی در این باره وضع شده است که؛ سیر تکاملی خود را طی می نماید.^۱ بنابراین، هر چند از لحاظ نظری، در مورد وضعیت تغییر جنسیت سه نظر، مخالفان مطلق، موافقان مطلق و موافقان مشروط وجود دارد ولی موضوعی که در علم پزشکی به عنوان تغییر جنسیت مشهور شده است، بر نظریه سوم منطبق تر است. بنابراین، تغییر جنسیت، در صورتی که با رعایت تمام استانداردهای روز پزشکی بر حسب تشخیص متخصص انجام شود، با قواعد و اصول حقوقی منطبق و با نظم عمومی و اخلاق حسنه مغایر نیست. اگر متخصصین قابل اعتماد تشخیص دهند که شخص مذکور تابع یکی از دو جنسیت است، به طریق اولی باید حکم الحاق او به جنسیتی باشد که مورد نظر متخصص است. در مورد خنثای روانی نیز، هر چند پدیده جدید و تازه ای است، ولی لزوم درمان درد تا حد امکان و

^۱ نوجوان، داوود، ۱۳۸۸، مبانی فقهی حقوقی تغییر جنسیت فصلنامه حقوق پزشکی، شماره ۹، ص ۱۶-۱۷.



با تشویق مریض برای مراجعه به پزشک، می توان نتیجه گرفت که تغییر جنسیت این گروه نیز به تشخیص پزشک متخصص قابل اعتماد، اما تغییر جنسیت افراد عادی که مشکل جنسی ندارند و علائم جنسیتی بدن آنها با گرایش جنسی روان شان مطابق است، غیرقانونی و نادرست است، زیرا این عمل، علاوه براین که به شخص صدمات غیر قابل جبران روحی وارد می کند، که اگر هزینه سنگینی نیز برای او در پی خواهد داشت، مخالف اخلاق حسنه و نظم اجتماعی است. در صورتی که اگر شخصی مطابق استانداردهای پزشکی، پزشک متخصصی او را تغییر جنسیت دهد، حق دارد که تقاضای اصلاح جنسیت و نام جدید او در آن درج گردد.

نتیجه گیری

علم بیش از پیش توسعه یافته و به چنان قدرتی رسیده که می تواند در ریشه های حیات مداخله نماید یک ژن را تغییر دهد و یا بر عکس به طور نامحدودی با موج نگاری مغزی (الکتروانسفالوگرافی)، و با اختیار حیات مغزی را نشان دهد، یا به همسان سازی گیاهان و حیوانات بپردازد، عضوی از بدن یک فرد را که امیدی به زنده ماندن وی نیست به بدن فردی دیگر ادامه حیات دهد، امکان باروری را در شرایطی که زوجین از نعمت داشتن نا امید شده اند را امیدوار سازد، امکان تغییر جنسیت را از مرد به زن و از زن به مرد میسر سازد، امکان سقط جنین را در شرایطی که وجود آن به مصلحت بشری نمی باشد را فراهم می ساد و مرگ آسان را زمانی که از بهبود فردی ناامید شده ایم فراهم سازد و در قلمروهای دیگر، که نمی توان به طور حصری از آن نام برد؛ تحقیقات علمی موجب نتایج شگفت انگیزی شده است؛ همه اینها پیشرفت هایی خارق العاده محسوب می شوند. با توجه به گستره حقوقی که به عنوان حقوق بشر نسل چهارم شناسایی شده اند، باید گفت تنها حقوقی که دارای معیار اصلی ارتباط با پیشرفت های تکنولوژیک هستند را می توان به عنوان حقوق این نسل در نظر گرفت. مطالعه ژنوم انسان، دستکاری ژنتیکی، لقاح آزمایشگاهی، آزمایشات بر روی جنین انسان، مرگ آسان (اتانازی) و اصلاح نژاد برتر فعالیت



هایی هستند که می توانند مسائل پیچیده قانونی، اخلاقی، عاطفی و حتی مذهبی را تولید کنند. برخی از افراد جنسیت مشخصی ندارند و به نوعی دچار ابهام جنسی می باشند؛ از جمله مباحث نوپیدای فقهی و حقوقی مسأله تغییر جنسیت می باشد و یا به عبارتی حل مشکل این گونه افراد است که امروزه به مدد جراحی های مدرن و پیشرفته صورت می گیرد که در نتیجه آن، جنسیت فرد از مرد به زن و یا برعکس، تغییر می یابد. در این پژوهش به این نتیجه رسیدیم که پیوستگی میان حقوق و اخلاق که خود از وابستگی متقابل علوم و تعامل میان آنها نشأت گرفته، سبب شده است که موازین حقوقی جنبه اخلاقی و مباحث اخلاقی رنگ حقوقی به خود گیرد .



منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- ابراهیمی، جهانبخش، ۱۳۹۲، سیری در حقوق بشر، تهران: انتشارات زوار .
- بطحائی گلپایگانی، سید محمد هاشم، ۱۳۸۳، اسلام و حقوق بشر: مجموعه مقالات حقوق بشر در جهان امروز، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- جوادى آملی، ۱۳۹۵، فلسفه حقوق بشر، قم: مرکز نشر اسراء.
- ذاکریان، مهدی، ۱۳۹۰، حقوق بشر در هزاره جدید، تهران: دانشگاه تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- صراحی، سیف الله، ۱۳۹۵، حق، حکم و تکلیف: گفتگو با جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- قاری سید فاطمی، سید محمد، ۱۳۸۸، حقوق بشر در جهان معاصر، جلد ۱، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۹، دروه مقدماتی حقوق مدنی خانواده، تهران: میزان.
- کریمی نیا، محمد مهدی، ۱۳۹۵، آثار و احکام تغییر جنسیت از دیدگاه امام خمینی، فصلنامه علمی تخصصی مطالعات زنان و خانواده، دوره ۲، شماره ۴.
- ورعی، سید جواد، ۱۳۹۱، حقوق و وظایف شهروندان و دولت مردان، قم: دبیر خانه مجلس خبرگان رهبری.
- مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۸، نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- نبویان، سید محمود، ۱۳۹۸، حق و چهار پرسش بنیادین، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- نوجوان، داوود، ۱۳۸۸، مبانی فقهی حقوقی تغییر جنسیت فصلنامه حقوق پزشکی، شماره ۹.



ب) منابع لاتین

ASEAN Human Rights Declaration, ۱۹ November ۲۰۱۲ at:
http://www.asean.org/news/asean_statement_communiques/item/asean_human_rights_declaration

Brownlie Ian, Principles of Public International Law, Sixth Edition, Oxford University Press, ۲۰۰۳.p:۵۳۰.

Griffin, James, On Human Rights, Oxford, ۲۰۰۸

Harris D.J, Case and Materials on International Law, Sixth Edition, London Sweet and Maxwell, ۲۰۰۴

Shelton, Dinah, Regional protection of Human Rights, Oxford University Press, ۲۰۰۸.

Synmonides, Janusz, Human Rights: Concept and Standards, UNESCO, ۲۰۰۰.